

گزارش

«شرق» تأثیر اقدام ایران در توقیف کشتی اسرائیلی بر روند تنش تهران-تل‌آویو را بررسی می‌کند

پیامی برای تل‌آویو؟

مهدی بازرگان؛ در میانه فضاسازی‌های رسانه‌ای درباره احتمال حمله مستقیم ایران به اسرائیل و درست در شرایطی که منطقه و جهان منتظر پاسخ تهران است، ظهر دیروز (شنبه)، نیروی دریایی سپاه پاسداران یک کشتی باری مرتبط با اسرائیل را در منطقه خلیج فارس توقیف کرد. به نوشته ایسنا برخی منابع خبری مدعی شدند این کشتی باری که «ام‌اس‌سی‌آریز» (MSC Aries) نام دارد، با پرچم پرتغال فعالیت می‌کند و مرتبط با شرکت «زودیاک مری تایم» مستقر در لندن است که مالک آن یک میلیارد دلار اسرائیلی به نام «ایال آفر» است. به گزارش آسوشیتدپرس بیشتر کشتی‌های مرتبط با اسرائیل که در آب‌های منطقه تردد دارند، وابسته به این شرکت هستند. این خبرگزاری نوشت یک مقام دفاعی که می‌خواست هویتش فاش نشود، ویدئویی را در اختیار این خبرگزاری قرار داد که در آن، تفنگداران روی کانتینرهایی واقع روی عرشه کشتی فرود می‌آیند. صدای یکی از اعضای کارکنان کشتی در این ویدئو به گوش می‌رسد که می‌گوید «بیرون نیاید». او با فرودآمدن تعداد بیشتری از تفنگداران روی عرشه، به همکاران خود می‌گوید که به سمت محل استقرار ناخدای کشتی بروند. این کشتی آخرین بار در نزدیکی دوبی و در حال حرکت به سمت تنگه هرمز بود. این کشتی مانند بسیاری دیگر از کشتی‌های مرتبط با اسرائیل که در منطقه تردد می‌کنند، ردیاب خود را خاموش کرده بود که ساعتی بعد، نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد یک کشتی باری مرتبط با اسرائیل را توقیف کرده است.

به دنبال اقدام سپاه در توقیف کشتی باری «ام‌اس‌سی‌آریز» شاهد سلسله واکنش‌هایی از جانب اسرائیل، پرتغال و همچنین ایالات متحده بودیم. همچنان که تل‌آویو در نخستین موضع‌گیری از زبان دانیال هاگاری، سخنگوی ارتش، نیروهای مقاومت در منطقه را «تروریستی» خواند و مدعی شد که «ایران نمایندگان خود در تمام مناطق خاورمیانه و خارج از آن را حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند و به آنها آموزش می‌دهد». طبق گزارش الجزیره، او که از اقدام ایران در توقیف کشتی مرتبط با رژیم صهیونیستی عصبانی است، مدعی شد: ایران بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان است و پیامدهای افزایش تنش را محتمل خواهد شد. پسرانئیل کانس، وزیر امور خارجه اسرائیل نیز در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس ایران را «دزدی دریایی» متهم کرد و مدعی شد که عملیات «ناقص قوانین بین‌المللی» است. شرکت مالک کشتی «ام‌اس‌سی» در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشتی در حال عبور از تنگه هرمز بود که توسط ایران توقیف شد. طبق گزارش الجزیره، در این بیانیه آمده است که خدمه کشتی توقیف‌شده ۲۵ نفر هستند و این افراد برای تضمین سلامتی خود و بازگرداندن کشتی با مقامات ذی‌ربط در ارتباط هستند.

دولت پرتغال هم در بیانیه‌ای اعلام کرد در زمینه توقیف یک کشتی با پرچم این کشور و مرتبط با اسرائیل در خلیج فارس توسط سپاه پاسداران با مقامات ایران در ارتباط است. به گزارش ایسنا، دولت پرتغال دیروز (شنبه) اعلام کرد که پس از توقیف یک کشتی با پرچم این کشور توسط ایران در خلیج فارس، با مقامات ایران در تماس است. در بیانیه دولت پرتغال دراین‌باره آمده است که گزارشی از حضور شهروندان پرتغالی بر عرشه این کشتی، چه در میان خدمه و چه فرماندهی آن دریافت نشده است. ایالات متحده هم در واکنش صرفا به اطلاع از توقیف این کشتی بسنده کرد.

توقیف به‌مثابه پاسخ؟!

با اقدام ظهر دیروز و توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل، اولین گزاره که به ذهن‌خطور می‌کند این است که در میانه تنش تهران و تل‌آویو شاید بتوان این اقدام را به‌مثابه پاسخ ایران در حمله اسرائیل به بخش کنسولگری ساختمان سفارت ایران در دمشق در نظر گرفت؛ گزاره‌ای که از دید جواد ترابی زیر سؤال است؛ چراکه به باور او، «این اقدام تهران، نه یک پاسخ محسوب و نه یک پاسخ هم‌وزن در مقابل حمله اسرائیل خواهد بود». با این حال کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه در گفت‌وگویی با «شرق» بر این نکته تأکید می‌کند که «اقدام تهران در توقیف کشتی باری می‌تواند ریل‌گذاری نوع مواجهه را تغییر دهد»؛ به این‌معنا که تهران به شکل موقت و البته تاکتیکی، موازنه را به نفع خود بازگرداند تا به گفته ترابی، در زمان و مکان مناسب پاسخ حمله به اسرائیل داده شود.

مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی با ارجاعی به مجموعه‌ای از فضاسازی‌ها و جوسازی‌های سیاسی و رسانه‌ای غربی که از چهارشنبه هفته گذشته علیه ایران در دستور کار قرار گرفته است، بر این موضوع مانور می‌دهد که اکنون ایران باید به شیوه‌ای عمل کند که ضمن دادن پاسخ هم‌وزن و هم‌سطح، شرایط برای اقدام متقابل اسرائیل به صفر برسد. بنابراین این کارشناس در پاسخ به سؤالی درباره تأثیرگذاری اقدام توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل بر روند تنش جاری بین تهران و تل‌آویو، آن را اقدامی توصیف می‌کند که در یک بعد می‌تواند به عنوان کاتالیزور این تنش عمل کند؛ چراکه به زعم ترابی، اسرائیل و متحدانش را به سمت توقیف کشتی‌های مرتبط با ایران خواهد کشاند و سطح منازعه به نقطه دیگر خواهد رفت و از طرف دیگر وی این احتمال را هم می‌دهد که توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل، تل‌آویو را از سیاست گسترش جنگ منصرف کند و تنش را در سطح فعلی فریز و ثابت نگه دارد.

علی‌لقمانی هم دیگر کارشناسی بود که در گپ‌وگفتی که با «شرق» داشت، از زاویه‌ای متفاوت با اشاره به اینکه اقدام ظهر دیروز در توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل عملا در مقام تغییر ریل پاسخ‌گویی تهران-تل‌آویو عمل می‌کند، این تغییر ریل را اقدامی پریسک تعبیر کرده که گفته او، در شرایط کنونی هرگونه اقدامی در منطقه را باید جزء پریسک‌ترین اقدامات طی سال‌های اخیر در نظر گرفت که می‌تواند بیشترین بار و هزینه سیاسی و دیپلماتیک را به دنبال داشته باشد.

با چنین خوانشی، مفسر ارشد حوزه بین‌الملل، ذیل یک قرائت ایجابی بر این نکته تأکید و اصرار دارد که «خاستگاه اقدام دیروز نه در مقام موازنه وحشت و موازنه قوا، بلکه در چارچوب موازنه تهدید قابلیت بحث و بررسی دارد». با این وجود، لقمانی نکاهی سلبی هم دارد و پیرو آن یادآور می‌شود که «اگر این اقدام جایگزین پاسخ تهران باشد، اقدامی هم‌سطح نیست. لذا باید در نظر گرفت که به موازات توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل کماکان پاسخ و حمله احتمالی تهران به اسرائیل در دستور کار قرار دارد و از روی میز کنار نرفته است». این کارشناس احتمال می‌دهد «تهران هنوز به جمع‌بندی نهایی درخصوص شکل، نوع، شدت و مکان پاسخ‌گویی و حمله به اسرائیل نرسیده است».

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ از اواخر هفته گذشته فضاسازی کم‌سابقه‌ای درباره حمله احتمالی ایران به اسرائیل در دستور کار رسانه‌های غربی قرار گرفته است. شدت این فضاسازی‌ها به گونه‌ای بود که هم بازارهای داخلی و هم افکار عمومی و بدنه جامعه را به‌شدت نگران کرده است؛ تا جایی که مردم به دلیل نگرانی از وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل پیگیر اخبار هستند. این نگرانی و التهاب در واپسین ساعت جمعه‌شب و بامداد دیروز شنبه با حجم گسترده‌ای از اخبار و گزارش‌های رسانه به اوج خود رسید که «شرق» برای بررسی دلایل و اهداف این جریان‌سازی رسانه‌ای و گفت‌وگویی با ماشاءالله شمس‌الوعظین، فعال رسانه‌ای و تحلیلگر مسائل غرب آسیا نشسته است که در ادامه می‌خوانید.

-
-
-

❧ در ساعات پایانی شامگاه جمعه و بامداد شنبه یکی از کم‌سابقه‌ترین فضاسازی‌های رسانه‌ای، سیاسی و دیپلماتیک درباره احتمال حمله ایران به اسرائیل شکل گرفت که مشابه آن فقط پس از ترور شهید سلیمانی به وجود آمده بود و در آن برهه هم مانند اکنون، جامعه نگران وقوع جنگ بود. چون حضرت‌عالی، هم فعال رسانه‌ای هستند و از طرف دیگر به حوزه خاورمیانه و اسرائیل اشراف دارید، پس اجازه دهید مسئله را از هر دو بعد بررسی کنیم. عجلاتا در منظر فضاسازی رسانه‌ای، موضوع را بشکافیم؛ چرا در ۲۲ تا ۲۸ ساعت گذشته این حجم گسترده از گزارش‌ها، اخبار، تحلیل‌ها و تفسیرهای رسانه‌ای و کارشناسی درباره پاسخ تهران به تل‌آویو مطرح شده است؟ آیا واقعا مانند تل‌های که برای پوتین و روسیه پیش از حمله به خاک اوکراین شکل داده بودند، اکنون هم با این فضاسازی رسانه‌ای سعی دارند ایران را به دام جنگ با اسرائیل بکشاند؟

قبل از اینکه به این سئوال‌تان پاسخ دهم، اجازه دهید نکات و اخبار مهمی را مطرح کنم. ببینید در دو ماه گذشته اسرائیل تحت فشار بی‌سابقه رسانه‌ای و به دنبال آن، تحت فشار سیاست دولت‌های غربی و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه و دیگر کشورها قرار دارد تا جایی که بیشتر کشورها در مراسم‌های رسمی و ملی خود دیگر از مقامات و دیپلمات‌های اسرائیلی دعوت نمی‌کنند و در ادامه مقامات کشورها هم از دیدار و ملاقات‌علنی با دیپلمات‌ها و همتایان اسرائیلی خود اجتناب می‌کنند؛ چراکه این نوع ملاقات‌ها در سطح افکار عمومی و رسانه‌ها برای آتپا هزینه سیاسی و دیپلماتیک در پی دارد که این موضوعات نشان از انزوای اسرائیل دارد. حتی در شماره جمعه روزنامه هآرتص به شکل جدی موضوع بایکوت محافل علمی و آکادمیک اسرائیل مورد بررسی قرار گرفت؛ چراکه استادان دانشگاه اسرائیلی به نشست‌ها و کنفرانس‌های علمی دعوت نمی‌شوند یا اگر دعوت می‌شوند، به‌شدت بایکوت می‌شوند. این انزوا برای اسرائیل آن‌قدر بزرگ شده که حتی مراکز فرهنگی آنها در دیگر کشورها نیز تحت‌الشعاع این انزوا قرار گرفته است. یعنی شهروندان اسرائیلی سعی می‌کنند برای بازدید از این مراکز فرهنگی با لباس‌های رسمی و شاندار بیهودی در انتظار ظاهر نشوند.

❧ جناب شمس‌الوعظین از این نکات چگونه به پاسخ سؤال می‌رسید؟

اتفاقا مسئله اینجاست که تا ۴۸ ساعت گذشته موضوع پاسخ ایران مورد توجه بسیاری از محافل سیاسی، رسانه‌ای، کارشناسی و استراتژیست‌ها در سطح منطقه و جهان بود. یعنی تصور، باور و جمع‌بندی نهایی این بود که تهران در نهایت عقلانیت رفتار کرده و سعی نخواهد کرد که دست به واکنش یا پاسخی بزند که اهداف اسرائیل را تأمین کند. اما نکاتی که قبلا به آن اشاره کردم این‌گونه به پاسخ شما ربط پیدا می‌کند که در ۴۸ ساعت گذشته این فضا سازی کاملاً تغییر پیدا کرده است.

❧ چرا؟

ببینید در ۴۸ ساعت بنیامین نتانیا هو فشار بی‌سابقه یا کم‌سابقه بین‌المللی و آن انزوای سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، آکادمیک و علمی اسرائیل در سطح منطقه و جهان را تبدیل به فشار بین‌المللی علیه ایران در ارتباط با احتمال حمله تهران کرده است. یعنی نخست‌وزیر اسرائیل در سایه این فضاسازی رسانه‌ای در ۴۸ ساعت گذشته توانسته است یک مظلوم‌نمایی برای خود و اسرائیل ستودیا کند و این موضوع را جا بیندازد که حمله ما به نوار غزه در نتیجه عملکرد ایران و گروه‌های همسو با تهران است. بنابراین متأسفانه تقریباً از روز پنجشنبه و جمعه ما شاهد این تغییر فضا از یک فضای ضداسرائیلی به یک فضای هشداردهنده علیه ایران هستیم.

❧ و این فضای هشداردهنده علیه تهران تا کی ادامه پیدا می‌کند؟
توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل بر روند تنش جاری بین تهران و تل‌آویو، آن را اقدامی توصیف می‌کند که در یک بعد می‌تواند به عنوان کاتالیزور این تنش عمل کند؛ چراکه به زعم ترابی، اسرائیل و متحدانش را به سمت توقیف کشتی‌های مرتبط با ایران خواهد کشاند و سطح منازعه به نقطه دیگر خواهد رفت و از طرف دیگر وی این احتمال را هم می‌دهد که توقیف کشتی باری مرتبط با اسرائیل، تل‌آویو را از سیاست گسترش جنگ منصرف کند و تنش را در سطح فعلی فریز و ثابت نگه دارد.

❧ یعنی همان چیزی که در سؤال نخست به آن اشاره کردم و شما هم به نحوی اذعان دارید که احتمالاً با این فضاسازی‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک بی‌سابقه طی ۲۲ ساعت گذشته سعی شده است دامی مشابه با مسکو و پوتین در جنگ اوکراین برای تهران ترتیب داده شود؟

بله من هم چنین تصویری دارم و احتمال می‌دهم که تقریباً از روز پنجشنبه و جمعه این فضاسازی رسانه‌ای برای کشاندن ایران به دام جنگ با اسرائیل در حال شکل‌گیری است. به بیان دیگر اکنون شاهد ابتکار عمل اسرائیل در این زمینه هستیم که این ابعاد انتظارات تئوری و مهم‌تر از آن، تأثیرات سوء، روانی اجتماعی است که مردم ایران خود را در یک‌دمی جنگ گسترده می‌بینند. فراموش نکنیم که همین دیروز، شنبه، سایه جنگ با اسرائیل در



ایران سایه جنگ با اسرائیل را جدی‌تر از هر زمان دیگری لمس کرده‌اند و به‌شدت اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای را دنبال می‌کنند. حال که حضرت‌عالی هم قائل به این موضوع هستید که ذیل این فضاسازی به دنبال کشاندن ایران به دام جنگ هستند، از نگاه ماشاءالله شمس‌الوعظین، تهران باید برای توقف این روند چه اقدامی را در دستور کار قرار دهد؟

در گام نخست باید هرچه سریع‌تر درباره مسئله حمله به اسرائیل تصمیم گرفته شود و آب را دوباره به جو بازگرداند.

❧ چرا؟

چون هرچه زمان حمله احتمالی ایران به اسرائیل بیشتر بشود و موضوع پاسخ ایران به درازا کشیده شود، به نفع تهران نیست. اسرائیل تا همین چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته با یک موج انزوای جهانی و فشار بی‌سابقه بین‌المللی مواجه بود اما تقریباً از پنجشنبه و جمعه، نتانیا هو این موج را به سمت ایران بازگردانه و اکنون همدردی کشورهای غربی با اسرائیل شکل گرفته است و به دنبال آن، حمایت‌ها سیاسی و دیپلماتیک از تل‌آویو در دستور کار این کشورهاست. هم‌زمان با آن، لحن این کشورها علیه تهران یک لحن هشداردهنده و تهدیدآمیز شده است. واقعا من این نگرانی را دارم و در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» بر آن تأکید دارم که طی ساعات پیش‌رو و یکی، دو روز آینده این تغییر موج در فضاسازی رسانه‌ای و سیاسی بر افکار عمومی جهانی به‌ویژه در کشورهای غربی هم تأثیر بگذارد. یعنی افکار عمومی که ضداسرائیل بودند هم به سمت حمایت و همدردی با اسرائیل بروند. همچنین اگر شاهد گذر زمان برای حمله احتمالی تهران باشیم، فرصت بیشتری در اختیار بنیامین نتانیا هو قرار می‌دهد که در فضای رسانه‌ای این موضوع را به شکل پرنگ‌تری ترویج دهد که اساسا موضوع غزه، حماس، جنبش جهاد اسلامی و دیگر گروه‌ها در منطقه به شکل مستقیم با جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است. یعنی نتانیا هو به دنبال بزرنگ‌کردن پروژه دشمن‌سازی است. اساسا تاریخ ۸۰ساله اسرائیل بر پایه این دشمن‌سازی پیش رفته است. در یک برهه‌ای ناصریسم عرب به رهبری جمال عبدالناصر دشمن اسرائیل بود. بلافاصله برخی رهبران نظامی در کشورهای عربی دشمنان اسرائیل شدند. بعد از آن دشمن اسرائیل به سازمان آزادی‌بخش فلسطین تبدیل شد و به دنبالش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به جنوب لبنان با هدف خارج‌کردن یاسر عرفات از بیروت، مشابه با فرمول فیلپ حبیب به جنوب لبنان حمله کرد که در نتیجه این گروه‌ها به مصر انتقال پیدا کردند. بعد از خارج‌شدن مصر از گردونه مبارزه با اسرائیل، ایران به‌عنوان دشمن اسرائیل مطرح شد و یک دهه اخیر هم این دشمن به محور مقاومت به رهبری ایران تغییر پیدا کرده است.

بنابراین اکنون اسرائیل دریافته که با دشمنی طرف است که حکم مری را دارد و این مری بازکنانی در منطقه دارد. حالا هم نوبت به این رسیده که خود مری به اسرائیل ضربه بزند. در نتیجه تقریباً از پنجشنبه و جمعه، نتانیا هو و اسرائیل با این فضاسازی رسانه‌ای و دامن‌زدن به موضوع پاسخ ایران و جنگ سعی دارند علاوه بر تغییر نگاه سیاسی و دیپلماتیک در کشورها، مظلوم‌نمایی هم برای خود داشته باشند که افکار عمومی و مردم جهان به داد اسرائیل برسید و با ما (اسرائیل) متحد شوید.

بنابراین دوباره این نگرانی خود را هم تکرار می‌کنم که اگر ایران پاسخ به حمله احتمالی خود را درمشمول زمان بکند، در ساعات پیش‌رو و یکی، دو روز آینده به موازات تغییر فضای سیاسی و دیپلماتیک، افکار عمومی هم دست به تغییر رویه بزند و به دنبال حمایت از اسرائیل باشد. این در حالی است که تا همین چند روز پیش یک فضای ضد اسرائیلی به‌ویژه در کشورهای غربی شکل گرفته بود. به همین دلیل با هم می‌گویم که باید موضوع حمله و پاسخ ایران هرچه سریع‌تر فیصله پیدا کند و یک تصمیم قاطع و جدی در این زمینه و در کمترین زمان ممکن از سوی مقامات گرفته شود تا دوباره موج علیه اسرائیل برنگرد. شما می‌بینید که اسرائیل در همین ۲۲ ساعتی که دوباره موج به سمت ایران بازگشته است و افکار عمومی و رسانه‌ها به سمت پاسخ تهران منحرف شده، چندین جایت در نوار غزه مرتکب شده است. در یک مورد ۹۰ نفر در اردوگاه نصیرات شهید شدند. این در حالی است که اسرائیل به‌جز محور «تنزیم» در گمترین زمان ممکن از سوی مقامات ندارد؛ اما با پنهان به مراکز بهداشتی و حیاتی غزه حمله می‌کند تا اوضاع را به کنترل خود درآورد. پس توصیه من به مقامات و همچنین فرماندهان نظامی ایران این است که صحنه را مانند یک هفته قبل ببینند و تحت تأثیر جریان‌سازی و فضاسازی‌های یکی، دو روز اخیر قرار نگیرند تا بتوانند خوب تصمیم بگیرند و به دنبال آن، خوب عمل کنند. واقعا جا دارد هرچه سریع‌تر موضوع حمله ایران تعیین تکلیف شود تا روند کنونی برای تغییر فضا از فضای ضد اسرائیلی به فضای ضد ایرانی متوقف شود.

❧ شما تا بعد رسانه‌ای، سیاسی و دیپلماتیک تأخیر در پاسخ تهران را بررسی کردید؛ اما گذر زمان در حمله ایران به اسرائیل، بُعد مهم‌تری دارد و آن هم تأثیر مخرب بر فضای روانی اجتماعی و ابعاد انتظارات تئوری و مهم‌تر از آن، تأثیرات سوء، روانی اجتماعی است که مردم ایران خود را در یک‌دمی جنگ گسترده می‌بینند. فراموش نکنیم که همین دیروز، شنبه، سایه جنگ با اسرائیل در

در گفت‌وگوی «شرق» با ماشاءالله شمس‌الواعظین درباره فضاسازی بی‌سابقه علیه تهران عنوان شد

اسرائیل جرئت حمله به ایران را ندارد

نتیجه فضاسازی‌های پنجشنبه و جمعه چه تغییر شاخص‌هایی در فضای اقتصادی ایجاد کرد؟

برای یافتن پاسخ دقیق این سؤال باید از اقتصاددانان پرسید؛ اما این را بگویم که موضوع جنگ مطرح نیست.

❧ به چه دلیل چنین باوری دارید؟

چون اسرائیل جرئت حمله به ایران را ندارد. ببینید موازنه قوایی که پیش‌تر بین ایران و اسرائیل برقرار بود، با تست توان بازدارندگی ایران در سایه حمله اسرائیل به بخش کنسولگری سفارت ایران در دمشق به هم خورد؛ چراکه اسرائیل سعی کرد با این حمله قدرت یا توان و سقف بازدارندگی خود را بالاتر ببرد. با وعده حمله یا پاسخی که ایران داده است، تهران هم تلاش دارد دوباره نظم و توازن را به توان بازدارندگی بازگرداند. البته این سیاست تهران کاملاً استراتژیک است و در علوم استراتژیک به ایران توصیه می‌شود که دوباره توازن بازدارندگی را به وضع سابق بازگرداند؛ اما بازگرداندن توان بازدارندگی ایران به نقطه ایمن‌ساز لزوماً، تأکید دارم لزوماً، با آتش‌کشایی و پاسخ نظامی همراه نیست. ایران می‌تواند از طرق دیگر توان بازدارندگی خود را به نقطه ایمن‌ساز بازگرداند.

❧ و یکی از این طرق چیست؟

یکی از این طرق مذاکره با آمریکا بر سر محدودکردن اسرائیل در حمله به نوار غزه است. اتفاقاً در یکی، دو روز اخیر من این احساس را داشتم که حسین امیرعبداللهیان سعی دارد یک معاوضه دیپلماتیک داشته باشد. برای مثال یک آتش‌بس در غزه ایجاد شود و در ازای آن، ایران از حق پاسخ‌گویی خود صرف‌نظر خواهد کرد. معاوضه‌ها مذاکراتی از این دست با طرف آمریکایی می‌تواند دوباره توان بازدارندگی ایران را به نقطه ایمن‌ساز بازگرداند و جایگزین پاسخ نظامی و آتش‌کشایی باشد؛ اما اگر در راستای سؤال شما ایران بخواهد باسختن به اسرائیل را به تأخیر بیندازد و آن را مشمول گذر زمان بکند، علاوه بر نکاتی که قبلاً اشاره کردم، قطعاً آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی خود را هم دارد و این به معنای آن است که بازی در زمین اسرائیل پیش می‌رود.

❧ دو نکته کلیدی در تحلیل شما وجود داشت که به هم ارتباط دارند؛ نخست مسئله معاوضه دیپلماتیک تهران-واشنگتن و دوم، تغییر لحن مقامات سیاسی کشورهای غربی به‌ویژه آمریکایی‌ها. می‌رسد این معاوضه دیپلماتیک به نتیجه نرسیده است و خروجی آن نیز تغییر لحن مقامات تهران و واشنگتن است، شما هم چنین برداشتی دارید؟

این سؤال شما بسیار مهم است و من با احتیاط، تأکید دارم با احتیاط، پاسخ دارم به آن پاسخ دهم. به نظر من تغییر لحن مقامات اروپایی و آمریکایی با هدف کاهش ضربه‌ایک حمله احتمالی ایران به اسرائیل انجام شده است؛ یعنی سعی شده با این تغییر لحن و هشدار و تهدید به ایران نوعی نگرانی و وحشت را در مقامات نظامی و امنیتی ایران ایجاد کنند تا شدت عمل و ضربه‌ایک پاسخ ایران کم‌رنگ باشد. وقتی این ضربه‌ایک کاهش پیدا کرد، ممکن حمله خودموشکی و پهپادی انجام می‌شود که این حمله محدود به وسیله رسانه‌های پندافندی آمریکا را ناتو در منطقه یا سامانه‌ها گنبد آهنین پاسخ داده خواهد شد. در نتیجه آن هدفی که من قبلاً با آن اشاره کردم، یعنی بازگرداندن توازن در توان بازدارندگی با حمله ایران محقق نخواهد شد و اتفاقاً این توازن وارونه خواهد شد؛ یعنی به جای آنکه ایران در سایه پاسخ خود سطح بازدارندگی‌اش را بالاتر ببرد، این اسرائیل خواهد بود که تصویر فراوانی از ایران به منطقه و جهان مخایره خواهد کرد. به همین دلیل است که واقعا وضعیت به‌شدت حساس و درهم‌پیچیده است و نیازمند بیشترین هوشمندی، دقت نظر و دقت عمل است.

❧ روس‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها، هلندی‌ها، آمریکایی‌ها و... به شهروندان خود توصیه کردند از سفر به خاورمیانه و به‌ویژه لبنان و اسرائیل صرف‌نظر کنند. در این میان وزارت امور خارجه فرانسه خانواده سفیر خود را از تهران خارج کرد و هلند هم از تعطیلی سفارتش در تهران خبر داد که شبانه وقوع جنگ را در ایران بزرگ‌تر کرد. حال در بچوبه فضاسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی، شاهد برخی موضع‌گیری‌های مقامات کشور مانند آنچه کریمی‌فردوسی گفت، هستیم. آیا این دست موضع‌گیری‌ها فارغ از پروژه‌های بازی در روز آخر شکل گرفته است و به نگرانی‌های مردم و بدنه اجتماع دامن می‌زند.

❧ اگرچه ۱۳روز از حمله اسرائیل به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق می‌گذرد اما این سؤال کماکان خودنمایی می‌کند که واقعا بنیامین نتانیا هو با هدف کشاندن ایران به جنگ با اسرائیل و آمریکا این اقدام را انجام داد یا تصور نخست‌وزیر اسرائیل این بود که این دست به واکنش و حمله مستقیم به اسرائیل نخواهد زد؟ نتانیا هو و اسرائیل به‌تنباهی، نه توان اداره تحولات غزه و جنگ در این باریکه را دارند و نه پتانسیلی برای جنگ در مرزهای شمالی و با حزب‌الله را دارند؛ به همین دلیل راهکار نتانیا هو کشیدن مستقیم ایران به درگیری و گسترش دایره جنگ بود. اتفاقاً نتانیا هو با حمله‌ای که به بخش کنسولی سفارت ایران در دمشق انجام داد، سعی کرد حمله‌ای را در دستور کار قرار دهد که می‌دانشست واکنش مستقیم تهران را به دنبال خواهد داشت تا در سایه آن، فرمول ایالات متحده آمریکا برای حمایت از اسرائیل فعال شود. اصلا این‌گونه نیست که تصور کنیم نتانیا هو با این حمله انتظار پاسخ مستقیم تهران را نداشته است. اتفاقاً نتانیا هو بیش‌ازپیش منتظر پاسخ مستقیم ایران است. حالا باید منتظر بنیامین و ببینیم در ساعات پیش‌رو و یکی، دو روز آینده چه اتفاقاتی در منطقه روی خواهد داد؟

اخبار

عارف: ایران در دام جنگ افروزی نتانیا هو نیفتد

رئیس بنیاد امید ایرانیان گفت: ایران باید با تدبیر و تمامی ملاحظات به گونه‌ای عمل کند که در دام جنگ‌افروزی نتانیا هو نیفتد.
محمدرضا عارف در جریان سفر به یزد در دیدار با جمعی از نجیبان، فعالان سیاسی و مدیران سابق این استان با تبریک عید سعید فطر و آرزوی قبولی طاعات و عبادات هم‌وطنان با اشاره به حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان متعلق به کنسولگری ایران در دمشق و تسلیت شهدات جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران گفت: دولت نتانیا هو به خاطر انبوه مشکلاّتی که با آن دست به گریبان است، راهی برای خود جز جنگ‌افروزی در منطقه نمی‌بیند و به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران باید با تدبیر و تمامی ملاحظات به گونه‌ای عمل کند که در دام جنگ‌افروزی نتانیا هو نیفتد. وی با اشاره به فشار افکار عمومی به دولت نتانیا هو، تصریح کرد: دولت‌مردان غربی به خاطر اینکه مردم کشورشان علیه اسرائیل دانما تظاهرات می‌کنند، تحت فشار هستند و رویکردشان نسبت به نتانیا هو در حال تغییر است و نظام تصمیم‌گیر در کشورمان باید از چنین فرصت‌هایی با بهره‌گیری از توان دیپلماسی خود استفاده کند. رئیس بنیاد امید ایرانیان با اشاره به موقعیت حساس ایران در منطقه، تأکید کرد: تمام تلاش مسئولان باید این باشد که کشور در ورطه جنگ نیفتد، چراکه هنوز بعد از گذشت سال‌ها از پایان جنگ تحمیلی همچنان در حال پرداخت هزینه‌های مالی و معنوی آن هستیم و به همین دلیل مسئولان نباید تحت تأثیر تدروهایی در داخل کشور قرار بگیرند که خود هیچ نقشی در هشت سال جنگ تحمیلی نداشتند و با القای جنگ هم آشنایی ندارند. وی بر ضرورت وحدت و همدلی در داخل کشور در شرایط خطیر فعلی تأکید کرد و گفت: تجربه تاریخی ثابت کرده است هرگاه بین مردم و مسئولان و احاد ملت وحدت و وفاق حاکم بود، توانستیم دست برتر را در معادلات منطقه‌ای داشته باشیم.

ذوالنوری: حق انتقام از اسرائیل را محفوظ می‌دانیم

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: ان‌زجار و تنفّری که نسبت به اسرائیل ایجاد شده، دست و پای دولت‌های غربی را بسته و اسرائیل را در یک انزوای تاریخی قرار داده است.
حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنوری، در همایش شورای وحدت اصولگرایان با منتخبان مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه در ۴۵ سال اخیر مجالسی کارآمدتر بودند که در پیاده‌سازی و دنبال‌کردن اصول و آرمان‌ها موفق‌تر بودند، یادآور شد: در هر مجلسی که انحراف از اصول و پشت‌کردن به مبانی اتفاق افتاده، خسران و تآکّرآمدی و هدررفت فرصت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد. وی یادآور شد: اگر تا قبل از این حادثه در نظرسنجی‌های کشورهای غربی ۸۰ درصد مردم نظر مثبت به رژیم صهیونیستی داشتند اما امروز یقیناً این معادلات کاملاً برعکس شده است و هیچ یک از کشورهای اروپایی و غربی جرئت حمایت مستقیم از رژیم صهیونیستی را ندارند. این ان‌زجار و تنفّری که نسبت به رژیم صهیونیستی ایجاد شده است، دست و پای دولت‌های غربی را بسته و رژیم صهیونیستی را در یک انزوای تاریخی قرار داده است. این رژیم هر بازی این روند را ادامه دهد شکست برایش سنگین‌تر خواهد شد. نایب‌رئیس مجلس درباره نحوه پاسخ به حمله تروریستی اخیر نظامیان صهیونیست به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، گفت: گاهی گفته می‌شود چرا جمهوری اسلامی واکنش نشان نمی‌دهد؟ در پاسخ باید گفت رژیم صهیونیستی برای خروج از انزوا تنها یک راه نجات دارد و آن درگیری مستقیم با جمهوری اسلامی است تا بتواند اجماع جهانی را مجدداً در حمایت از خود در دنیا فراهم کند.
ذوالنوری یادآور شد: جمهوری اسلامی ضمن تأکیدی که بر حمایت معنوی از غزه دارد، حق انتقام را برای خود محفوظ می‌داند ولی نوع عمل را متناسب با منافع خودش انتخاب خواهد کرد. ما شروع‌کننده هیچ جنگی نخواهیم بود ولی اگر رژیم صهیونیستی قصد شروع جنگی را داشته باشد همان روز موعود که امام راحل گفتند رژیم صهیونیستی باید از صحنه روزگار محو شود، ان‌شاءالله فرا خواهد رسید.